



الدَّرْسُ التَّاسِعُ



شَلَّالَاتٌ جَمِيلَةٌ آبشارهای زیبا



الدَّرْسُ التَّاسِعُ

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۳ کلمه جدید)

شام	عَشَاء	شکوفه‌ها، گل‌ها «مفرد: زَهْر، زَهْرَةٌ»	أَزْهَار
ناهار	غَدَاء	دندان‌ها «مفرد: سِنٌّ»	أَسْنَان
آمرزید می‌آمرزد	عَفَرَ يَغْفِرُ	کسانی که	الَّذِينَ
مسواک	فُرْشَاة	یاران «مفرد: وَلِيٌّ»	أَوْلِيَاء
نقره‌ای	فِضِّي	با چه چیزی «ب + ما»	بِمَ
صبحانه	فَطُور	نیکوتر، نیکو الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى: نام‌های نیکو	حُسْنَى
استان	مُحَافَظَة	گناه «جمع: ذُنُوبٌ»	ذَنْبٌ
مجاز ≠ ممنوع	مَسْمُوح	هفتم	السَّابِعِ، السَّابِعَةِ
غذاخوری، رستوران «جمع: مَطَاعِمٌ»	مَطْعَم	ششم	السَّادِسِ، السَّادِسَةِ
خمیر دندان	مَعْجُونُ أَسْنَان	چای	شاي
زمین بازی، ورزشگاه «جمع: مَلَاعِبٌ»	مَلْعَب	آبشار «جمع: شَلَّالَاتٌ»	شَلَّال
حوله	مِثْشَفَة		

السَّفْرَةُ الْعِلْمِيَّةُ



دانش آموزان مدرسه خوشحالند؛ زیرا آنها خواهند رفت
طالِبَاتِ الْمَدْرَسَةِ مَسْرُورَاتٌ؛ لِأَنَّهِنَّ سَوَفَ يَذْهَبْنَ

به گردش علمی از شیراز به یاسوج

لِسَفْرَةِ عِلْمِيَّةٍ مِنْ شِيرَازَ إِلَى يَاسُوجٍ.

به گردش علمی خواهیم رفت روز پنج شنبه

الْمُدِيرَةُ: سَنَذْهَبُ إِلَى سَفْرَةِ عِلْمِيَّةٍ يَوْمَ الْخَمِيسِ

در هفته آینده

فِي الْأُسْبُوعِ الْقَادِمِ.

شما باید برخی کارها را رعایت کنید

عَلَيْكُنَّ بِمُرَاعَاةِ بَعْضِ الْأُمُورِ:

تهیه لباسهای مناسب، زیرا هوا در یاسوج

- تَهْيِئَةُ الْمَلَابِيسِ الْمُنَاسِبَةِ؛ لِأَنَّ الْجَوَّ فِي يَاسُوجٍ

سرد است

بَارِدٌ.

تهیه ی چوله ی بزرگ و کوچک و مسواک و خمیر دندان
- تَهْيِئَةُ مِئْشَفَةٍ صَغِيرَةٍ وَ كَبِيرَةٍ وَ فَرْشَاةٍ وَ مَعْجُونِ

أَسْنَانٍ.

حضور در حیاط مدرسه در ساعت هفت صبح
- الْحُضُورُ فِي سَاحَةِ الْمَدْرَسَةِ فِي السَّاعَةِ السَّابِعَةِ

صباحاً. دانش آموزان از مدیر می پرسند

الطَّالِبَاتُ يَسْأَلْنَ الْمُدِيرَةَ:

اولی: ای خانم، به کجا می رویم؟

الأولى: يَا سَيِّدَتِي، إِلَى أَيْنَ نَذْهَبُ؟

خانم مدیر: به یاسوج و اطرافش

الْمُدِيرَةُ: إِلَى يَاسُوجٍ وَ حَوْلِهَا.

در این استان جنگل ها و رودها و گلها

فِي هَذِهِ الْمَحَافِظَةِ غَابَاتٌ وَ أَنْهَارٌ وَ أَزْهَارٌ

و بَاعِثًا وَ چشمه ها و آبشارهای زیبایی است
وَ بَسَاتِينٌ وَ عُيُونٌ وَ شَلَالَاتٌ جَمِيلَةٌ.

دومی: چند روز باقی می مانیم

الثَّانِيَةُ: كَمْ يَوْمًا نَبْقَى؟

الْمُدِيرَةُ: ثَلَاثَةٌ أَيَّامٍ مِنَ الْخَمِيسِ إِلَى السَّبْتِ.

خانم مدیر: سه روز از پنج شنبه تا شنبه.

سومی: کی برمی گردیم؟

: صبح روزیک شنبه در ساعت هفت صبح

الْمُدِيرَةُ: صَبَاحَ يَوْمِ الْأَحَدِ فِي السَّاعَةِ السَّابِعَةِ.

الْمُدِيرَةُ: بِالْحَافِلَةِ. خانم مدیر: با اتوبوس

الْخَامِسَةَ: أَيْنَ نَأْكُلُ الْفَطُورَ وَ الْعَدَاءَ وَ الْعِشَاءَ؟

الْمُدِيرَةُ: فِي مَطْعَمٍ نَظِيفٍ وَ جَيِّدٍ. خانم مدیر: در رستوران پاکیزه و خوب

ششمی: آیا موبایل مجاز است؟

السَّادِسَةَ: هَلِ الْجَوَالُ مَسْمُوحٌ لَنَا؟

خانم مدیر: بله

الْمُدِيرَةُ: نَعَمْ.

خانم مدیر: در هتل معلمان

الْمُدِيرَةُ: فِي فُنْدُقِ الْمُعَلِّمِينَ.

هفتمی: برای استراحت کجا می مانیم؟

السَّابِعَةَ: أَيْنَ نَبْقَى لِلِاسْتِرَاحَةِ؟

بله؛ سه تا زمین بازی هست.

الْمُدِيرَةُ: نَعَمْ؛ ثَلَاثَةٌ مَلْعَبٍ.

هشتمی: آیا اینجا زمین بازی هست؟

الثَّامِنَةَ: هَلِ هُنَاكَ مَلْعَبٌ؟

فَرِحَ الْجَمِيعُ لِهَذِهِ السَّفَرَةِ الْجَمِيلَةِ.

همه برای این گردش زیبا خوشحال شدند

فعل مضارع

أَفْعَلُ الْمُضَارِعُ ← (يَفْعَلُونَ، يَفْعَلْنَ، يَفْعَلَانِ، تَفْعَلَانِ)



ماذا يَفْعَلْنَ؟

هُنَّ يَسْمَعْنَ الْقُرْآنَ.

چکار می کنند؟

آنها قرآن گوش می کنند.

ماذا يَفْعَلُونَ؟

هُمَّ يَسْمَعُونَ الْقُرْآنَ.

چکار می کنند؟

آنها قرآن گوش می دهند.



ماذا تَفْعَلانِ؟

هُمَا تَجْمَعانِ وَرَقَّ الشَّايِ.

چکار می کنند؟
انها برگ چایی جمع می کنند

ماذا يَفْعَلانِ؟

هُمَا يَجْمَعانِ الْأَزْهَارَ.

چکار می کنند؟
انها گلها را جمع می کنند.

پرسش و پاسخ با کلمه پرسشی «کیف: چگونه»:

۱. كَيْفَ حَالُكَ؟ أَنَا بِخَيْرٍ. حالت چطوره؟ من خوبم.

۲. كَيْفَ وَصَلْتَ؟ بِسُرْعَةٍ. چگونه رسیدی؟ به سرعت.



كَيْفَ تَسْأَلُ الطَّالِبَةَ؟

تَسْأَلُ مَسْرُورَةً.

دانش آموز چگونه می پرسد؟
با خوشحالی می پرسند.



كَيْفَ يَخْرُجُ الْوَلَدُ مِنَ الصَّفِّ؟

يَخْرُجُ سَرِيعًا.

پسر چگونه از کلاس خارج می شود؟
به سرعت خارج می شود.

گاهی کلمه «عِنْدَ: نزد» یا «لِ، لَ: برای» برای مالکیت به کار می‌رود؛ مثال:

﴿لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾ خدا نام‌های نیکو دارد.	لَنَا مَكْتَبَةٌ وَاسِعَةٌ. کتابخانه‌ای وسیع داریم.
عِنْدَكَ صَدِيقٌ صَادِقٌ. دوستی راستگو داری.	عِنْدَكُمْ بَيْتٌ كَبِيرٌ. خانه‌ای بزرگ دارید.
لِأُمِّي عِبَاءَةٌ جَمِيلَةٌ. مادرم چادری زیبا دارد.	لَهُمْ حَدِيقَةٌ صَغِيرَةٌ. باغی کوچک دارند.

اکنون این گفت‌وگوها را ترجمه کنید.



هَلْ عِنْدَكَ مُعْجَمٌ الْعَرَبِيَّةِ؟

نَعَمْ؛ عِنْدِي.

آیا فرهنگ لغت عربی داری؟

بله دارم.



هَلْ عِنْدَكَ قَلَمٌ أَزْرَقُ؟

لا؛ عِنْدِي قَلَمٌ أَخْضَرٌ.

آیا مداد آبی داری؟

نه مداد سبز دارم.

١ التَّمْرينُ الْأَوَّلُ:

با مراجعه به متن درس به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.

١. مَتَى تُسَافِرُ الطَّالِبَاتُ إِلَى مَدِينَةِ يَسُوجِ؟

فِي يَوْمِ الْخَمِيسِ

٢. هَلِ الْجَوَّالُ مَسْمُوحٌ فِي السَّفَرَةِ؟

نَعَمْ

٣. مِنْ أَيِّ مَحَافِظَةِ الطَّالِبَاتُ؟

فَارَسَ

٤. إِلَى أَيْنَ تَذْهَبُ الطَّالِبَاتُ؟

إِلَى يَسُوجِ وَحَوْلِهَا

٥. بِمَ يَذْهَبْنَ إِلَى السَّفَرَةِ؟

بِحَافِلِهِ

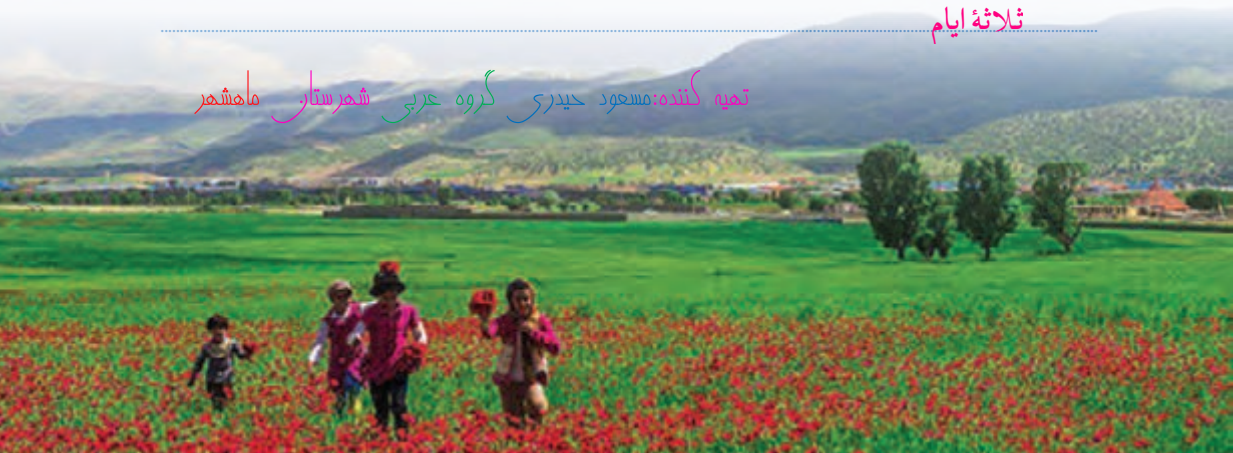
٦. كَيْفَ الْجَوُّ فِي يَسُوجِ؟

بَارِدٌ

٧. كَمْ يَوْمًا هَذِهِ السَّفَرَةُ؟

ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ

نعم، كنده: ملاحود حیدری گروه عربی شهرستان ماهشهر



جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



أُولَئِكَ الطَّالِبَاتُ يَذْهَبْنَ إِلَى سَفَرَةٍ.
آن دانش‌آموزان به سفر (گردش) می‌روند



أُولَئِكَ الطُّلَابُ يَذْهَبُونَ إِلَى سَفَرَةٍ.
آن دانش‌آموزان به سفر (گردش) می‌روند



هَاتَانِ الطَّالِبَتَانِ تَخْرُجَانِ مِنْ صَفِّهِمَا.
این دانش‌آموزان از کلاس شان بیرون می‌روند



هُذَانِ الطَّالِبَانِ يَخْرُجَانِ مِنْ صَفِّهِمَا.
این دانش‌آموزان از کلاس شان بیرون می‌روند

۳ التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ:

جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل مضارع خط بکشید.

۱. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ یونس: ۴۴

قطعا خدا به مردم هیچ ستم نمی کند ولی مردم خودشان ستم می کنند.

۲. ﴿... وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ ...﴾ القصص: ۲

و دیدی مردم وارد دین خدا می شوند.

۳. الْمُؤْمِنُونَ يَصْدُقُونَ وَ لَا يَكْذِبُونَ فِي الْحَيَاةِ.

مؤمنان راست می گویند و دروغ نمی گویند در زندگی.

۴. الْأَخْتَانِ سَمِعَتَا كَلَامَ الْمُعَلِّمَةِ وَ هُمَا تَعْمَلَانِ بِهِ.

خواهران شنیدند سخن معلم را و آنها به آن عمل می کنند.

۵. عِنْدَنَا طَعَامٌ كَثِيرٌ لِلْعِشَاءِ عَلَى الْمَائِدَةِ؛ نَأْكُلُهُ مَعًا.

غذای زیادی برای شام روی سفره داریم؛ آن را باهم می خوریم.

۴ التَّمْرِينُ الرَّابِعُ:

گزینه مناسب را انتخاب کنید.

۱. شَيْءٌ لِحِفْظِ صِحَّةِ الْأَسْنَانِ: ● الْفَرْشَاءُ ● ○ الْمِنْشَقَّةُ

۲. مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْمُدُنِ: ● الْمَحَافِظَةُ ● ○ الْمَكْتَبَةُ

۳. سَبَبُ جَمَالِ الرَّبِيعِ: ● الْمَعْجُونَ ● ○ الْأَزْهَارُ

۴. طَعَامُ الصَّبَاحِ: ● الْغَدَاءُ ● ○ الْفَطُورُ

۵. بَيْتُ الطَّائِرِ: ● الْمُسْتَوْصَفُ ● ○ الْعُشُّ

٥ التَّمْرِينُ الْخَامِسُ:

در گروه‌های دو نفره مطالعه کنید.

هما بخیر	١. كَيْفَ حَالُ الْوَالِدَيْنِ؟
لسلدرس	٢. لِمَاذَا أَنْتَ (أَنْتِ) هُنَا؟
لا	٣. أَمْ مَدِينَةُ كَرْجٍ بَعِيدَةٌ عَنِ طَهْرَانَ؟
نعم	٤. هَلْ عِنْدَكَ (عِنْدَكَ) مُعْجَمُ الْعَرَبِيَّةِ؟
ماذهبت الى مكان	٥. إِلَى أَيْنَ ذَهَبْتَ (ذَهَبْتِ) فِي أَيَّامِ نَوْرُوزِ؟

٦ التَّمْرِينُ السَّادِسُ:

زیر هر تصویر نام آن را به عربی بنویسید. «سه کلمه اضافه است.»

حافلة - شاي - شلال - بطاقة - منشفة - فرشاة - حمامة - نقود - أزهار - خاتم -
عُشٌّ - عُصْفُورٌ - مَوَكِبٌ - فِرَاحٌ - فَرَسٌ



حافلة



فراخ



شلال



شای



عش



ازهار



خاتم



منشفه



فراشه



عصفور



حمامه



فريس

تميه كننده: مسعود حيدري گروه عربي شهرستان ماهشمر

در جدول کلمات مناسب بنویسید؛ سپس رمز را پیدا کنید.

ثالث - خائف - عندهم - مسموح - حدث - غداء - هناك - اقدام - ملاعب - منشفة -
عصفور - يصدق - سادس - شاي - شلال - محافظة

رمز ↓

			۱	
			۲	
			۳	
			۴	
			۵	
			۶	
			۷	
			۸	
			۹	
			۱۰	
			۱۱	
			۱۲	
			۱۳	
			۱۴	
			۱۵	
			۱۶	

۱. اتفاق افتاد
۲. مُجاز
۳. دارند
۴. ناهار
۵. سوم
۶. ترسیده
۷. ورزشگاه‌ها
۸. پاها
۹. آنجا
۱۰. راست می‌گوید
۱۱. گنجشک
۱۲. استان
۱۳. آبشار
۱۴. ششم
۱۵. چای
۱۶. حوله

رمز: « رَسُوْلُ اللهِ ﷺ »

ساختار درس دوم تا نهم

فارسی	عربی	فارسی	عربی
ما می نشینیم.	نَحْنُ نَجْلِسُ.	من می نشینم.	أَنَا أَجْلِسُ.
شما می نشینید.	أَنْتُمْ تَجْلِسُونَ. أَنْتُنَّ تَجْلِسْنَ. أَنْتُمْ تَجْلِسَانِ.	تو می نشینی.	أَنْتَ تَجْلِسُ. أَنْتِ تَجْلِسِينَ.
آنها می نشینند.	هُمُ يَجْلِسُونَ. هُنَّ يَجْلِسْنَ. هُمَا يَجْلِسَانِ. هُمَا تَجْلِسَانِ.	او می نشیند.	هُوَ يَجْلِسُ. هِيَ تَجْلِسُ.

نور السَّمَاءِ

بخوانید و ترجمه کنید.

۱. ﴿... يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ...﴾ الْحَجَّ: ۱۸

سجده می کند برایش هر آنچه در آسمانها و آنچه در زمین و خورشید و ماه و ستارگان و کوهها و درختان.

۲. ﴿الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ الْجُز: ۹۶

کسانی که قرار می دهند با خدا معبودی دیگر، پس خواهند فهمید

۳. ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَأَخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ يُونُس: ۶۲

آگاه باشید که قطعاً یاران (اولیاء) خدا، نه ترسی بر آنهاست و نه آنها غمگین می شوند.

۴. ﴿إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً...﴾ الرَّؤْمَر: ۵۳

قطعا خداوند می آمرزد همه ی گناهان را.

۵. ﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ اللَّتَّوْبَةِ: ۴۰

قطعا خدا با ما است

تحقیق کنید نام چه حیواناتی در قرآن آمده است.

یک روزنامه دیواری در این باره تهیه کنید.



تحقیق کنید

نَظَرَةٌ إِلَى الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ

فارسی	عربی
<p>من تکلیفم را می نویسم. (اول شخص مفرد)</p>	  <p>أَنَا أَكْتُبُ وَاجِبِي. (متکلمم وحده)</p>
<p>تو تکلیفت را می نویسی. (دوم شخص مفرد)</p>	  <p>أَنْتِ تَكْتُبِينَ وَاجِبِي. (مفرد مؤنث مخاطب)</p> <p>أَنْتَ تَكْتُبُ وَاجِبِي. (مفرد مذکر مخاطب)</p>
<p>او تکلیفش را می نویسد. (سوم شخص مفرد)</p>	  <p>هِيَ تَكْتُبُ وَاجِبِهَا. (مفرد مؤنث غایب)</p> <p>هُوَ يَكْتُبُ وَاجِبَهُ. (مفرد مذکر غایب)</p>
<p>ما تکلیفمان را می نویسیم. (اول شخص جمع)</p>	  <p>نَحْنُ نَكْتُبُ وَاجِبَنَا. (متکلمم مع الغير)</p>

شما تکلیفتان را می نویسید.
(دوم شخص جمع)



أَنْتُمْ تَكْتُبُونَ وَاجِبَكُمْ. أَنْتَنْ تَكْتُبْنَ وَاجِبَكُنَّ.
(جمع مذکر مخاطب) (جمع مؤنث مخاطب)



أَنْتُمْ تَكْتُبَانِ وَاجِبَكُما.
(مثنیٰ مذکر مخاطب) (مثنیٰ مؤنث مخاطب)




ایشان تکلیفشان را می نویسند.
(سوم شخص جمع)



هُمَّ يَكْتُبُونَ وَاجِبَهُمْ. هُنَّ يَكْتُبْنَ وَاجِبَهُنَّ.
(جمع مذکر غایب) (جمع مؤنث غایب)



هُمَا يَكْتُبَانِ وَاجِبَهُمَا. هُمَا يَكْتُبَانِ وَاجِبَهُمَا.
(مثنیٰ مذکر غایب) (مثنیٰ مؤنث غایب)

فعل		ضمير			
مضارع	ماضى	متصل	منفصل		
 مؤنث مذكر	 مؤنث مذكر	 مؤنث مذكر	 مؤنث مذكر		
تَفَعَّلُ يَفْعَلُ فَعَلَتْ تَفْعَلَانِ يَفْعَلَانِ فَعَلْنَا يَفْعَلُونَ يَفْعَلُونَ فَعَلُوا	فَعَلَتْ فَعَلَتْ فَعَلْنَا فَعَلْنَا فَعَلُوا فَعَلُوا	هَا هُ هُمَا هُمَا هُنَّ هُمْ	هِيَ هِيَ هُمَا هُمَا هُنَّ هُمْ	مفرد مثنى جمع	ذَكَرَ
تَفْعَلِينَ تَفْعَلُ فَعَلْتِ تَفْعَلَانِ تَفْعَلَانِ فَعَلْتُمَا تَفْعَلْنَ تَفْعَلُونَ فَعَلْتُنَّ	فَعَلْتِ فَعَلْتِ فَعَلْتُمَا فَعَلْتُمَا فَعَلْتُنَّ فَعَلْتُنَّ	كِ كِ كُما كُما كُنَّ كُمْ	أَنْتِ أَنْتِ أَنْتُمَا أَنْتُمَا أَنْتُنَّ أَنْتُنَّ	مفرد مثنى جمع	مَخَاطَبَ
أَفْعَلُ نَفْعَلُ	فَعَلْتُ فَعَلْنَا	ي نَا	أَنَا نَحْنُ	متكلّم وحده متكلّم مع الغير	

